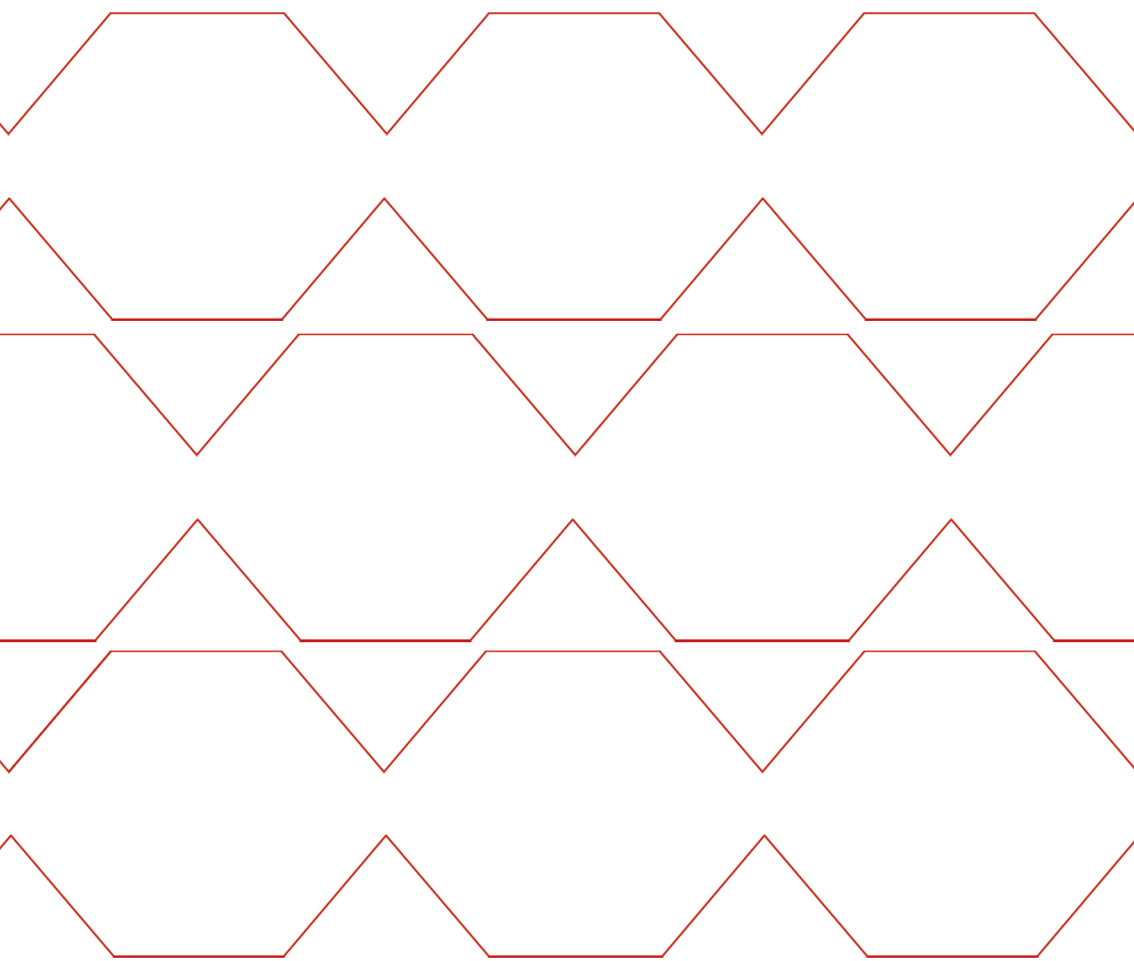


دوچار



سرشناسه: سپاهی لاتین، علی رضا، ۱۳۵۰-
عنوان و نام پدیدآور: دوچار: چارو کین کوردی/عه لیرزا سپاهی لایین (کلاو زیدی).
مشخصات نشر: سنندج: مادیار، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۹۲ ص: ۱۴/۵× ۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۲۵-۵۵-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: گردی.
موضوع: گردی--واژه نامه ها--فارسی
موضوع: Persian -- Dictionaries -- Kurdish language
موضوع: شعر گردی--قرن ۱۴
موضوع: Kurdish poetry--20th century
موضوع: شعر گردی--قرن ۱۴--ترجمه شده به فارسی
موضوع: Kurdish poetry -- 20th century -- Translations into Persian
رده بندی کنگره: PIR۳۲۵۶
رده بندی دیویی: ک۹۳/۴
شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۱۲۹۲۷





پرتووک : دوچار - چاروکیڻ کوردی

نقیسکار: ئه‌لیرزا سپاهی لایین (کاوا زیدی)

نۆبه‌تا چاپی: یه‌که‌م ۱۳۹۹ - ۲۰۲۰

ناف‌نیشان: سنه، چوارپانی شو‌هه‌دا، پاساژ عزه‌تی، وه‌شان‌خانه‌ی مادیار: ۸۷۳۳۱۲۴۴۴۵ (۰۰۹۸)

هه‌ژمار: ۱۰۰۰ دانه

شابەک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۲۵-۵۵-۸



چارۆك؛ يك چهارمصرعی كامل

چاروك، چنانكه از نامش پیداست، يك قالب شعری چهار مصرعی است با این تفاوت از قالب‌های چهارمصرعی رایج كه اگرچه مثلاً در يك شعر، بسان رباعی از وزن واحد و معینی تبعیت می‌كند، در عین حال، با توجه به شرایط كلام و مضمون، هر چاروك واجد وزن مخصوص خویش و در كل، به توسع و تغییر وزن مجاز است. بر این اساس، اگرچه وزن معیار و معمول و متداول در این قالب، پنج‌هجایی است، اما چاروك به تعداد وزن‌های معمول و پیشنهادی شعر كردی و فارسی، وزن دارد. در عین حال، به دلیل ابتنا بر اختصار و ایجاز، مصاریع چاروك بر پایه‌ی هجایی و عروضی مقتصدانه‌تری توصیه و تعریف شده‌اند. چاروك یا چهارتایی، مجموعاً شعری چهار مصرعی است و البته در بیان بخشی‌ها و لولوچی‌ها، بیشتر از چهار مصرع نیز به ندرت شنیده و خوانده می‌شود؛ اما از آنجاکه در بحث چاروك، تأکید بر قید مقدار است، بر همان چاروك و الزاماً چهارخشت بودن یا چهار مصرع بودن، تأکید داریم.

بر اساس سنت هنری موسیقی و ادبیات کردهای خراسان، شناخت اجمالی ما از چاروك این است كه؛ چون نه در شعر جعفرقلی به‌طور مستقل چاروك وجود دارد و نه در منابع مکتوب دیگر، چاروك‌ها را باید در واقع صحنه گردان یا میان‌برده‌ی متن

اصلی در اشعار حماسی و عاشقانه در ترانه‌ها و کلام‌های کردی دانست. چاروک، عموماً مثل بیت ترجیع یا ترکیب در ترجیع‌بند و ترکیب‌بند است؛ چاروک‌ها حدفاصل بین دو بخش از یک شعر هستند که اجزا و بندهای شعر را به‌نوعی به هم متصل می‌کنند. به‌نوعی مجوز حرکت بین دو بخش از یک ترانه یا یک کلام یا یک آهنگ‌اند. از این جهت همان‌طور که مثلاً بیت‌های ترجیع و ترکیب عموماً خارج از متن یک شعر هم معنی دارند - هرچند کامل نیستند - در مورد چاروک‌های سنتی هم می‌توان گفت عموماً مستقل از بافت کلامی یک کلام خیلی معنا یا هویت ندارند و از آن‌ها عموماً احساس ناکامل بودن یا وابسته بودن و پیشینه یا دنباله داشتن می‌شود. اما واقعیت این است که چاروک یک فرم و قالب مستقل است که می‌شود مبنای یک ظرفیت ویژه قرارش داد و به‌عنوان یک قالب مستقل تأیید و تثبیتش کرد؛ این ظرفیت در چاروک‌های کردی هست که با توجه به گستردگی اوزانشان و تنوع و تفوقشان بر دوبیتی و رباعی، نوع ویژه‌ای از قالب شعر، مثل غزل، مثنوی یا قصیده باشند. چرا با این‌ها مقایسه می‌کنم و چرا آن‌ها را مثلاً با رباعی یا دوبیتی مقایسه نمی‌کنم؟ یک دلیل عمده دارد و آن این است که دوبیتی و رباعی با توجه به سابقه‌ی هزارساله این دو قالب در شعر فارسی که به حوزه‌ی زبان کردی هم کشیده شده است، در وزن‌های مشخصی سروده می‌شوند؛ یعنی همان‌طور که می‌دانیم رباعی بر وزن معروف «لا حول ولا قوت الا بالله» است و دوبیتی هم بر همان وزن معروف «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل» از مشتقات بحر هزج است؛ اما چاروک‌های کردی یا کرمانجی در خراسان وزن مشخصی ندارند؛ یعنی در هر وزنی می‌توان سرودشان و این ظرفیت، بالطبع دست سرائنده را در خلاقیت و نوآوری بیشتر، باز می‌گذارد.

این چند نمونه از چاروک‌های شعر و موسیقی کرمانجی خراسان را ملاحظه فرمایید. وزن هر سطر این نمونه‌ها، از پنج تانه هجا متغیر است. در آهنگ معروف «لای لای» وسط هر بخش از کلام این چاروک به‌عنوان گوشواره یا

به عنوان حلقه‌ی میانی این زنجیره کلام آمده است:

له بالاخانئ / رووننی له یانی / ئشقی کرمه / ته چاف جیترانی (در ایوان خانه / کاش پهلویش بنشینیم / ای چشم آهو / عاشقمان کردی).

که ملاحظه می‌کنید در اساس پنج‌هجایی است ولی مثلاً خشت سوم آن به چهار هجا هم تقلیل پیدا می‌کند. یا در آهنگ معروف سکینه:

زانی زانی، سه‌کینه / تو هین خزانی / وان چافینه رهش سه‌کینه / مال له من دانی (می‌دانی یانه، سکینه / تو هنوز کودکی / آن چشم‌های سیاه، سکینه / خانه خرابم کرد).

ملاحظه می‌کنید که از مصرع پنج‌هجایی داریم تا هشت‌هجایی. مصرع‌های اول و سوم هشت‌هجایی و مصرع دوم و چهارم، پنج‌هجایی‌اند. صدا البته، پیدا است که واژه‌ی سکینه، اضافه بر شعراصلی و صرفاً برای تأکید بر مخاطب خاص، به این زنجیره افزوده شده است.

اما در آهنگ معروف «یار مه نزانیبوو» که عموماً مصرع‌هایش شش‌هجایی است: یار، مه نزانیبوو / دی، قهره‌مانی بوو / ده‌سمالا یاری وه‌ندا بوو / نام کی هلائییبوو (ای یار، ما نمی‌دانستیم / مادرش از ایل قهرمانلو بود / دستمالش گم شده بود / و معلوم نشد چه کسی برداشته است)، ملاحظه می‌شود که در مصرع سوم، به هشت هجا هم افزایش وزن پیدا می‌کند.

به نظر می‌رسد چاروک، همچنان که قدیمی و باسابقه است، مثل اغلب قالب‌های کلاسیک، می‌تواند یک ظرفیت بالقوه و قابل توجه در گستره‌ی ادبیات امروز ما محسوب شود و می‌تواند علاوه بر ادبیات کُردی خراسان، در حوزه‌ی شعر و ادب پارسی هم (چنانکه سه‌خشتی انگیزه‌بخش سه‌گانی سرایان شد) الگوی کارساز و محکمی باشد. چاروک نشان می‌دهد که می‌شود این قالب را تعمیم داد و به ظرفیت جدیدی دست‌یافت؛ ظرفیتی که در حوزه‌ی فرهنگی فلات ایران شکل گرفته و اصالت بیشتری است.

در خصوص این قالب، نکته‌ی حائز اهمیت این است که باوجود کوتاهی مصاریع چاروک در قیاس با رباعی و دوبیتی، این قالب، از ظرفیت آن دو قالب دیگر به‌طور یکجا و هم‌زمان برخوردار است؛ یعنی هم می‌تواند مضامین نسبتاً سنگین فلسفی و فکری و فرهنگی را بیان کند، هم می‌تواند به حوزه‌ی نقد اجتماعی و سیاسی وارد شود و هم می‌تواند به مضامین عاشقانه بپردازد و دل‌مشغولی‌های معمول عاطفی و انسانی را روایت کند.

درعین حال، به دلیل کوتاه بودن مصرع‌ها، امکان به خاطر سپردن و نقل کردن چاروک بسیار فراهم‌تر از قالب‌های شناخته‌شده‌ی دوبیتی و رباعی است. این ویژگی می‌تواند یک چاروک موفق را خیلی زود بر سر زبان‌ها بیاندازد و به آن در حد یک مثل رایج، میدان انتشار و اعتبار بدهد.

در مجموعه‌ی «دوچار» کوشیده‌ام، حتی‌الامکان کشش‌ها و ظرایف و ظرفیت‌های چاروک را در حد توانم نشان بدهم. بر این اساس، این مجموعه، ماحصل چندین سال تمرکز و تمرین سراینده در پیرامون قالب چاروک است به این امید که بتواند معرف خوبی باشد برای این نوع شعر و هم‌وطنان و هم‌زبانان اهل ذوق را بیش‌ازپیش به سرایش و نشر چاروک تشویق کند.

چند نکته‌ی توضیحی و تکمیلی نیز هست که در خصوص سرایش و نگارش اشعار این کتاب باید عرض کنم:

۱- در املای کلمات این کتاب، کوشیده‌ایم روایت اکثریتی و شکل استاندارد کلمات در میان هم‌زبانان عزیز غرب ایران ملاک قرار گیرد. بدیهی است از آنجاکه کتابت زبان کردی در خراسان، مسبوق به سابقه‌ی مفصل نیست، ممکن است شکل برخی صامت‌ها و مصوت‌های زبان ما در آینده دستخوش تغییرات شود و شاید بعضاً، آنچه امروز به کار می‌گیریم، شکل نهایی و قطعی واج‌ها یا واژه‌های زبان ما نباشد.

۲- من و دوستان عزیزم که همین جا صمیمانه سپاسگزار و منت‌دار تلاش پرشور

یکایکشان در آماده‌سازی این کتاب هستم، تقریباً با رسم‌الخط آرامی کردی، آشنایی لازم را داشته‌ایم، اما برخی کلمات این کتاب (به‌ویژه در مواضع وزن و قافیه)، گاه بر اساس تلفظ محلی (لایینی) یا شکل محاوره‌ای واژه، ثبت و ضبط شده‌اند و این حسب عمد و اجبار بوده است.

۳- در خصوص ترجمه‌ی فارسی چاروک‌های این کتاب، باید عرض شود که سعی فراوان کرده‌ام، بین شعر و ترجمه رابطه‌ی مستقیم و مشخص وجود داشته باشد تا جایی که خواننده حسب ضرورت بتواند از ترجمه به‌صورت و معادل کلمات کردی راه بیابد. باین وجود، مثل هر ترجمه‌ای و هر زبانی، در زبان کردی جناس‌ها یا کنایات بسیاری وجود دارند که قابل ترجمه‌ی دقیق به فارسی نیستند و بر اساس استنباط‌های مرکب و چندوجهی از دانش فرهنگی و زبانی سروده شده‌اند که در عمل ترجمه‌ی دقیق و معادل معنایی کامل در زبان فارسی ندارند. همچنین برخی کلمات کردی را - که پرکاربرد هم هستند - نمی‌شود ترجمه کرد. کلماتی مثل «وار، ریکۆچ، بیری، هلگیر - داگیر، هیری، ته‌شی بن‌ته‌شی و...»، از این قبیل‌اند و پیش آمده است که من هم بسته به موقعیت کلامی، ترجمه‌ای متمایز از کلماتی واحد داده باشم.

۴- این مجموعه و قریب ۳۰۰ قطعه چاروک آن را، تقدیم می‌کنم به: اهالی لایین و همه‌ی کردهای بی‌نام‌ونشانی که بی‌هیچ چشمداشتی برای زنده نگاه‌داشتن زبان کردی و رونق و رواج این میراث ارجمند فرهنگی و ادبی تاریخ، عاشقانه و فروتنانه کوشیده‌اند و همچنان می‌کوشند.

در عین حال، باید ادای مهر و حق‌شناسی کنم به دوستانم مهدی جعفرزاده، گلی شادکام و بهار ضیغمی و شیرکوه پهلوانی که بی‌هیچ ادعایی، همانند همه‌ی فداکاری‌هایشان، در گردآوری و آماده‌سازی این مجموعه، از جان و جهان مایه گذاشته‌اند.

با سپاس و ارادت،

علیرضا سپاهی لایین (کاوازیندی)